

این عبد فقیر معروض میدارد که اگرچه تفصیل حرکت از ارض سرّ و بلایای وارده در آن ایام ...

حضرت بهاءالله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاءالله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۲۰۵

این عبد فقیر معروض میدارد که اگرچه تفصیل حرکت از ارض سرّ و بلایای وارده در آن ایام از ذکر و بیان و خامه و بنان خارج است لم یحصیها الا الله ربّی و ربّ کلّ شیء ولکن حسب الامر مختصر عرض میشود که شبی از شبها پنج ساعت گذشته امر فرمودند که جناب اسم الله جمال با دو نفر همراه ایشان که قاصد حرم مقصود بودند در همانوقت از شب بروند مال بگیرند و از آن ارض خارج شوند این بنده متحیر که سبب چیست حسب الامر مأمور شد و حضرات علی الصّباح خارج شدند بعد از چند ساعت از حین خروج ایشان آمدند و استفسار احوالشان نمودند که چه شدند و کجا رفتند جواب مختصری ذکر شد و رفتند یوم بعد بقتة ساعت هشت جمیع احبّاء را از تاجر و غیره که در سوق مشغول بودند جمیع را گرفته بیاب بردند و حبس نمودند و اطراف بیت را بقتة ضبّاط عسکریّه گرفتند و از باب شخصی آمد خدمت غصن اعظم معروض داشت که حسب الحکم باید بگلی بولی تشریف ببرند دیگر چه عرض کنم که چه واقع شد بقسمیکه جمیع آنچه در بیت بود باسم هراج بتاراج رفت و بعد در سرایه باصحاب ذکر کردند که هر که بخواد در محلّ خود برود و بکسب و تجارت خود مشغول شود دوازده نفر که در خدمت حضرت ابهی بادرنه وارد شده‌اند باید در خدمتشان بروند باقی خود مختارند نفسی قبول توقّف نمود و جمیع از اشیا و اسباب و اوضاع خود گذشتند و مفارقت اختیار نمودند مخصوص چند نفر تاجر بودند که سنه قبل وارد ارض سرّ شده بودند کلّ از اسباب خود گذشتند و ضرر کلّی بر آن نفوس وارد شد و مبلغی اسباب را بقیمت بسیار نازل فروختند و نفوسیکه خریدند در دادن وجه تعلّل نمودند و ایشان معطل نشدند از مال گذشتند و بجنود اجلال ملحق شدند و یکنفر هم خود را فدا نمود که ولوله در شهر افتاد و اکثری از قناسل دول بحضور آمدند و بسیار سخنها بمیان آمد فرمودند که این سفر حتم است و باید برویم علی الله فی کلّ الامور توکلی باری اگر بخوایم تفصیل بیانات حضرات را معروض دارم بطول خواهد انجامید ولکن بسیار بحبّت آمدند و تفصیل امور را کلاً و طراً بجمیع دول نوشتند و در روز حرکت غوغای غریبی بر پا شد با هفتاد و دو نفر از ارض سرّ بارض سجن توجه فرمودند دیگر چه عرض کنم که در راه چه حالت خوشی دست داد والله جمیع بمثل آنکه بعیش میروند و دیگر چه عرض کنم از آیات بدیعه که در هر حین ظاهر و هویدا میگشت فیا لیت کنت معنا و بعد وارد گلی بولی شدیم عمر افندی مین باشی مخصوص با پنج نفر اون باشی وارد شدند معروض داشت باید بعکا تشریف ببرید بعد



ORIGINAL

در بابلور لمسه متوجه سمت عگا شدیم قرب بمدینه فلک ایستاد و بقایق تشریف آوردند و چهار نفر را از حضور منع نمودند جناب سیاح و جناب مشکین قلم و آقا محمدباقر و آقا عبد الغفار عمر افندی مذکور داشت که مأمورم این چهار نفر را بقبرص بیرم حضرات بناله آمدند بعد از چند دقیقه مفارقت جناب آقا عبد الغفار خود را از عرشه کشتی بجز انداخت فیا روحا من حبه و انقطاعه و توکله و استقامته و بعد بعگا وارد شدیم در قشله عسکریه منزل دادند و شب ورود چیزی در حرم نبود پاشا شام فرستاد و آنهم باطفال داده شد و هوا در شدت حرارت و گرمی و آب شور و غذاهای مخالف دیگر معلوم است که چه گذشته ولكن از فضل الهی در کمال روح و ریحان بوده و هستیم فسوف ینصر الله عبادہ بالحق و انه موفی وعده و انه بکل شیء علیم چنانچه هر چه در الواح قبل در تفصیل انقلاب ارض سر مرقوم کل ظاهر شد آنچه هم از نصرت که مرقوم شده البته ظاهر خواهد شد و سه نفر در این ارض غربت و سجن فدا شدند دو برادر جناب باقر و اسمعیل علیهما رحمة الله و عنایتہ دست بگردن هم در یک شب فدا شدند از اول ابداع تا حال چنین امری واقع نشده که دو برادر باین قسم متحداً متفقاً از ارض تیره بمقر اطهر منیر طیران نمایند طوبی لهما و لا صلاب حملهما و لرحم خرجا منه تفصیل عنایاتی که در باره ایشان ظاهر شد حال نمیتوانم عرض کنم چه که السبیل مقطوع و القلم ممنوع و هم چنین جناب آقا ابوالقاسم از اهل سلطان آباد با همه این بلایا فی الحقیقه در کمال راحت و روح و ریحان بودیم چه که بلقا فایز بودیم ولكن محزون از طرف احبای عراق چه که از حضور دور بودند و بلای دیجور مبتلا ولكن چونکه لله و فی الله بوده بآسی نیست و حزنی نه

و اما آنچه در باره جناب آقا سید مهدی نوشته بودید در حین رجوع مشافهه بایشان امر شد که در کمال ستر باشند باین جهت معاشرت نکرده اند و دیگر در ثبوت بعضی از احباب نوشته بودید نحمد الله و نشکره بما جعل اولیائہ ثابتاً علی امره و راستیاً فی حبه

و در باره جناب زین دستور العمل خواسته بودید فرمودند الیوم تکلیف کل صبر یر قضایا و انتشار ذکر الهی است ما بین عباد بحکمت محضه و قضایای متوالیه و بلاهای متواتره نفوسی را که فی الحقیقه از کوثر حیوان آشامیده اند منع نمایند اگرچه زحمت ایشان فوق قوه واقع شده ولكن چون مرجع امور بحق است آنچه وارد شده سهل است بهر محل از بلاد که مصلحت بدانند مکتوب بنویسند و بفرستند و چون اصل شجره از اریاح قضائیه در نمواست لذا اوراق هم در حرکت احزان کل و بلایای کل معلق باصل شجره است فسوف ینزل ما یفرح به قلوب احبائه

جمیع را فرداً فرداً تکبیر و سلام برسانید مخصوص نفوسی که آثار استقامتشان منتشر شده و عند الله مذکور گشته اگر ممکن بود بکل توقیع ارسال میشد ولكن این ایام مقتضی نیست چنانچه مشاهده میکنید و دیگر بهر مدینه که رسیدی احبای الهی را تکبیر برسان و بگو که الیوم یوم ثبوت و نصرت است بهیچوجه محزون نباشید چه که آنچه وارد شد از قضایای محتومه بوده و در الواح قبل ذکر شده فسوف یظهر حکمة ما ظهر و نحن فی شکر مبین